

تحلیلی بر چگونگی تحولات معماری باغ‌های سمرقند، از سرپرده تا فضاهای معماری سلطنتی

*** معصومه میرزائی سیدرسول موسوی حاجی عابد تقوی امین مرادی**

*نویسنده مسئول و دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه مازندران، masume.mirzaie@gmail.com

دانشیار و عضو هیات علمی گروه باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه مازندران، seyyed_rasool@yahoo.com

استادیار و عضو هیات علمی گروه باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه مازندران، abedtaghavi@gmail.com

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه مازندران، aminmoradi66@yahoo.com

چکیده

باغ‌های ایرانی جلوه نمادینی از بهشت روی زمین هستند. در میان این باغ‌ها، باغ‌های سمرقند درخششی درخور دارند. تیمور با گرد-آوری معماران، طراحان و هنرمندان از هر سوی قلمروش به سمرقند، و با ایجاد باغ و برپایی فضاهای معماری درون این باغ‌ها سعی در هر چه بیشتر باشکوه‌تر کردن پایتخت خود، سمرقند داشت. از این رو، دوران تیموری رنسانس باغ‌سازی ایران است. لیکن به دلیل ویژگی آسیب‌پذیری شدید، همگی از بین رفته‌اند و از آن باغ‌های افسانه‌ای جز خاطراتی در سفرنامه‌ها و تصاویری در مینیاتورهای تیموری، چیزی باقی نمانده است. این پژوهش بر آن است تا با توجه به پتانسیل‌های موجود در سمرقند و در نظر گرفتن شرایط اقلیمی منطقه، و ریشه‌یابی سبک معماری باغ‌ها، به چگونگی ایجاد باغ و فضاهای معماری درون آن در سمرقند بپردازد. سپس با استناد به مینیاتورهای تیموری و یادداشت‌های سفرنامه‌نویسان، به ترسیم طرح‌هایی از نحوه باغ‌سازی و فضاهای معماری درون این باغ‌ها بپردازد، و از این طریق به چگونگی تحولات معماری باغ‌های سمرقند، از خیمه (سرپرده) تا کوشک اشاره کند. پژوهش حاضر بر اساس هدف از نوع تحقیقات بنیادی و بر اساس ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی است. گردآوری اطلاعات نیز در این پژوهش به شیوه‌ی اسنادی (کتابخانه‌ای) انجام خواهد شد.

کلیدواژه‌گان: دوران تیموری، سمرقند، باغ‌سازی، تحولات معماری،

مقدمه

باغ‌سازی ایرانی همانند معماری ایرانی، آن‌چنان طراحی شده است که با اکوسیستم محیط (اقلیم) منطبق باشد و به بهترین وجه نسبت به شمال و جنوب جهت‌گیری شود. محور اصلی باغ با درختان بلند مانند دالان مستطیل شکل، جریان خنک و درختان را

به سوی کوشک اصلی باغ هدایت می‌نماید و کوشک بر بلندترین و مرکزی‌ترین نقطه باغ از بهترین دید و منظر برخوردار می‌گردد (نعیما، ۱۳۸۵، ۱۵). امروزه موضوع باغ‌های رسمی و سلطنتی (کوشک باغ) جذابیت و توجه بیشتری نسبت به دیگر موضوعات سنتی معماری اسلامی پیدا کرده است. پیچیدگی‌های گوناگون در قلمروهای اسلامی فقط مختص تاریخ معماری آن نمی‌شود بلکه مجموعه معماری طراحی شهرها، علم باغبانی، آبیاری و بسیاری موضوعات مهم دیگر را شامل می‌شود. مطالعات امروزه نشان می‌دهد که سنت باغ سازی با توجه به زمینه و بطن جامعه و امکانات و شیوه زندگی و نیز در نظر گرفتن گونه‌شناسی و نشانه‌شناسی شکل‌گیری باغ‌ها، از اهمیت زیادی برخوردار است (Golombek, 2006, 137). باغ‌های عصر تیمور از جمله باغ‌هایی هستند که با توجه به شرایط اقلیمی و تنوع شیوه‌های معماری در سمرقند برپا شدند و تیمور با گردآوری معماران و هنرمندان از هر سوی مملکت در سمرقند در هر چه باشکوه‌تر کردن پایتخت خود کوشید. این باغ‌ها در ابتدا به صورت سرپرده‌ها و خیمه‌ها ایجاد شدند و بعدها تبدیل به کوشک شده و در بسیاری از مینیاتورهای تیموری همچنان رخ نموده‌اند. این پژوهش به این سوال پاسخ داده می‌شود که الگوی معماری و سبک باغ سازی تیمور ملهم از چه عواملی بوده است و چگونه الگوی سرپرده و خیمه تبدیل به کوشک‌هایی در مرکز باغ شدند؟

سمرقند، شهر باغ‌ها

امیر صاحب قران (تیمور) که شجره دولت او بر جویبار سلطنت جغتای (فرزند چنگیز) نشو و نما یافته (نظام‌الدین شامی، ۱۳۶۳، ۱۳)، اگرچه از نظر خون‌ریزی در سرزمین‌های تحت اشغال خود چیزی کمتر از چنگیز خان نداشت، اما در خلال لشکرکشی‌هایش تا فرصت می‌یافت به فعالیت‌های عمرانی نیز می‌پرداخت. او برای آبادانی شهرها، به‌ویژه پایتخت خود شهر سمرقند، اهمیت زیادی قائل بود و هنرمندان، معماران و صنعتگرانی را از سرزمین‌های مفتوحه به سمرقند انتقال داده و در توسعه این شهر و پیرامون آن کوشید (ابن عربشاه، ۱۳۳۹، ۳۰۸) و (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰، ۱۱۹). چنین به نظر می‌رسد که اقلیم مطلوب سمرقند همواره، مدنظر سیاحان و جغرافی‌نویسان بوده است: «جیهانی» در نقل آب و هوای سمرقند ضمن اینکه آن را به عنوان یک «باغ شهر» معرفی می‌کند، در رابطه با وصف طبیعت آن چنین آورده است: ... اما سمرقند، چنان که چشم بیفتد از هر طرفی که نظر کنی سبزی و تماشا جای باشد (جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۸۰). ویلبر در این باره می‌نویسد: چون بر کهندژ روی و خواهی تا محله‌ها و عمارت‌های شهر را ببینی، از بسیاری باغ‌ها و درختان بهم در شده چشم در جای دیگر بجز سبزی نیفتد (همان). کلیه مدارک موجود از دوره تیموری، حاکی از آن است که در شهر سمرقند آب فراوان بوده و کلیه نقاط آن خوب آبیاری می‌شده است. رودخانه‌ی زرافشان در سمت شمال واقع شده بود و تعداد زیادی جوی و آبرو، کلیه مناطق اطراف شهر را قطع و آبیاری می‌کرد (ویلبر، ۱۳۹۰، ۵۹).

... تقریباً هر خانه باغی داشته و چون از فراز کهندژ به شهر می‌نگریستند، ابنیه در پشت درختان پیدا نبوده (بارتولد، ۱۳۸۷، ۲۱۷). نسخ مصور (مینیاتور) برجای مانده از مکتب هرات گویای همین نکته است که پیرامون شهر سمرقند باغ‌های بسیار زیبایی ساخته و در میان آنها چادرهایی برافراشته بودند، چنان که تیمور بسیاری از جشن‌های عروسی، مراسم و تشریفات خود را در این باغ‌ها برگزار می‌کرد (Okane, 1998, 149-50). نیز در وصف باغ‌های سمرقند آمده است: ... سمرقند در فلاتی وسیع واقع شده بود و در نزدیکی شهر منطقه جنگلی وسیعی مرکب از باغ‌های سیب و انگور قرار داشت و بعد از آن نیز چراگاه و مرغزار بود. مردمانی که درون این کمر بند سبز زندگی می‌کردند، بیش از آن عده‌ای بودند که در داخل دیوارهای مستحکم می‌زیستند. در درون این کمر بند، باغ‌ها و کاخ‌های سلطنتی و نیز، دیگر فضاهای معماری افراد ثروتمند و مالکان و حاکمان قرار داشتند و نیز انواع و اقسام مناظر و همه‌گونه نباتات و گیاهان دیده می‌شد. از این باغ‌ها در کتاب‌ها چندان ذکری نشده و مدارکی هم بر جای نمانده است (ویلبر، ۱۳۹۰، ۵۹). (کلاویخو، ۱۳۷۴، ۲۹).

کلاویخو شواهد گران‌بهای از باغ‌های سمرقند در دوره تیموری ارائه می‌دهد. او توضیحات بی‌شماری در مورد باغ‌هایی که هر بار از طرف تیمورلنگ به یکی از آنها دعوت می‌شد، می‌دهد. باغ‌هایی مملو از درختان میوه که دارای جوی‌ها و نهرهای زیبا، حوض‌های قشنگ و کوشک بوده‌اند و آنها در سایه ردیف درختان صنوبر و درختان دیگر، غرق در رنگ‌های مختلف و عطرهای دلپذیر، گردش می‌کردند. بولوارهای طولی، این باغ‌ها را به دروازه‌های شهرها وصل می‌کردند و در گذر از آنها به نظر می‌آمد «در جنگلی با درختان بلند که شهری در میان آن قرار گرفته است، قدم می‌زنید» (زانگری و دیگران، ۱۳۹۱، ۱۲۴). کلاویخو که محو زیبایی‌های سمرقند و باغ‌های آن شده بود در ستایش از آن در جایی دیگر می‌نویسد: «خیمه‌های بزرگ همچون کلاه‌فرنگی و برساخته از پارچه زربفت و مرصع و کوشک‌های چند طبقه کاشی‌کاری شده در میان باغ‌های سرسبز که با انهار آبیاری می‌شدند، جلوه می‌فروختند» (بلر و بلوم، ۱۳۹۱، ۹۴). باید گفت که احداث باغ‌ها در حومه‌ی شهرها در دوره‌های اول و دوم امپراتوری تیموری استمرار خاصی داشته است. شکل باغ در قالب غیر نمادین ادامه داشت تا اینکه در نیمه‌ی قرن پانزدهم، با پایتخت شدن هرات، این شهر به نقطه‌ی عطف خود می‌رسد و به رشد آن توجه خاص می‌شود. در این خصوص توجه خاصی به فضاهای اطراف شهر سمرقند و هرات شده است، که مختص باغ‌سازی و صیفی‌کاری بوده‌اند. در سمرقند این امر انعکاس بازتاب تمامی روند شهرسازی و نشان‌دهنده‌ی توسعه‌ی شهر در رابطه‌ی مستقیم با این روند بوده است. به همین منظور، مرکز شهر را تخلیه و ساکنان آن را به جای دیگر منتقل کردند و به احتمال قوی در نزدیکی پارک‌های بزرگ سلطنتی در سمرقند (که محل اسکان روستاییان بود) اسکان دادند. در این صورت باید نقش کشاورزی و مسکونی را در نقاط مختلف پیرامون شهر در نظر گرفت و این امر نه تنها در سمرقند، بلکه در «شهر سبز» که شهر مخصوص تیمور بود، نیز به همان شکل به چشم می‌خورد. در هرات نیز، که حومه‌های آن با «باغ‌هایی با ارزش تولیدی فراوانی دربرمی‌گرفت، منازل اشرافی و سازمان‌های مذهبی در کنار باغ‌ها قرار داشتند» (پتروچیولی، ۱۳۹۱، ۲۷۸). وجود این باغ‌ها با مرغزارهای اطراف و ایجاد اشتغال و درآمدزایی از طریق آن، باعث گسترش شهر و سازمان‌های مربوطه، در حوالی این باغ‌ها می‌شده است. چونانکه رشد و گسترش شهری و حکومتی سمرقند، پس از گسترش باغ‌های پیرامون شهر، به سمت خارج شهر و یا در جهت باغ‌ها کشیده می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که مفهوم «باغ شهر» در اینجا به زیبایی نمایان است و شهری درون باغ‌ها و باغ‌هایی درون شهر قرار گرفته است.

وجه تسمیه و مشخصات شهری سمرقند

در خصوص وجه تسمیه «سمرقند» چنین به نظر می‌رسد، قرارگیری آن در کرانه رود «سیاب» که معنی محلی آن رودخانه سیاه می‌باشد، یکی از محتمل‌ترین فرضیات در رابطه با چگونگی نام‌گذاری این محل می‌باشد (Bianca, ۱۹۹۶). در کتاب فرهنگ نام‌ها و آبادی‌های اصفهان در رابطه با پسوند «قند» چنین ذکر شده است: «زفرقند» از دو جزء «زفر+قند» ترکیب شده است که تخفیف یافته و به این صورت درآمد است، به معنی ژرف است، ولی نوشتن آن با «ظا» تازی بی‌شک غلط است. چون واژه اصیل ایرانی را دلیلی ندارد به املائی عربی بنویسند. اما جزء دوم «قند» مسلماً به معنای شیرینی نیست و بی‌شک مابین ژرف و عمیق با شیرینی هیچ نسبتی نیست؛ بنابراین «قند» هم تحریف یافته کلمه دیگری است و این امر هم سابقه دارد و در بسیاری از اسامی از جمله در «سمرقند» و «خوقند». حقیقت این است که کلمه قند در این دیه‌ها و شهرها تخفیف یافته است و به حکم این که رسم‌الخط آرامی هم از روزگاران هخامنشی جریان و سریان بسیار داشته است، این اختلاط هم طبیعی و هم آسان می‌نماید (مهریار، ۱۳۸۲، ۴۴۸). از اثر محمود کاشغری می‌توان استنباط کرد که از همان زمان او، ریشه ترکی نام شهر سمرقند، در زبان عامیانه «سمیزکنت»^۱ به معنای شهر چربی یا شهر فربه یا شهر ثروتمند بوده است (بارتولد، ۱۳۸۷، ۱۰۱-۱۰۲). با شروع جهان‌گشایی‌های تیمور تجاوزات چندباره‌اش به ایران و پیروزی او در این جنگ‌ها و

انتقال هنرمندان، معماران، صنعت‌گران و پیشه‌وران سایر ملل به سمرقند (علی‌یزدی، ۱۳۳۶، ۲۲۰-۲۲۱)؛ و با توجه به ثروت، فراوانی و توانمندی این شهر و پایتخت بزرگ که، به راستی دیدنی است، آن را «سمیزکنت» یعنی شهر ثروتمند گویند. چون «سمیز» (به ترکی) به معنی ثروتمند و «کنت» به مفهوم شهر یا روستاست (کلاویخو، ۱۳۷۴، ۲۸۴). همگان سمرقند را به عنوان شهر باغ‌ها شناختند، چرا که سنت باغ‌سازی به خوبی در آنجا رواج یافته بود. در زندگی شگفت‌آور تیمور این چنین آمده است که وی در سمرقند سراسر استان‌های بی‌شمار و کاخ‌های بلند به ترتیبی شگفت و وصفی شگرف ساخته و بهترین نهال‌ها در آن نشانده بود (حیدرنتاج، ۱۳۸۸، ۱۰)، -۲۴۹-، (Okane, ۱۹۹۸, ۲۵۵)، (Golombek, ۲۰۰۶, ۱۳۷-۱۳۸) و (کلاویخو، ۱۳۷۴، ۲۸۴). طبق مشاهدات ابن‌عربشاه مورخ، درب‌های کاخ‌های تیمور، با باغ‌های بزرگشان هنگامی که فرمانروا در آنها اقامت نداشت، به روی مردم سمرقند چه ثروتمند و چه تهی‌دست باز بوده است (بارتولد، ۱۳۸۷، ج ۲، ۲۵۹). نویسنده کتاب حدودالعالم سمرقند را چنین توصیف می‌کند: ... سمرقند شهری بزرگ است و آبادان و با نعمت بسیار و جای بازرگانان همه جهان است و او را شهرستانست و قهندز و ریض است، و از بالای بام بازارشان یکی جوی آب روانست از ارزیر، و آب از کوه بیآورده و اندر وی خانقاه مانویان است و ایشان را نغوشاک خوانند، و از وی کاغذ خیزد که به همه جهان برند و رود بخارا بر در سمرقند بگذرد (حدود العالم، ۱۳۴۰، ۱۰۷-۱۰۸).

... جمعیت سمرقند که از همه ملل در آن هست جمعا با مردان و خانواده‌های آنان بسیار زیادست و می‌توان گفت که به ۱۵۰۰۰۰ تن می‌رسد. از مللی که به سمرقند آورده شده‌اند، یکی ترکانند و دیگری تازیان، از همه اقوام و قبایل و نیز مسیحیان که در زمره آنان یونانیان و ارمنیان و کاتولیک‌ها و نسطوریان و (هندیانی که با آتش بر پیشانی تعمیم می‌گرفته‌اند هستند. گروه آخر واقعا مسیحی هستند منتهی عقاید و افکار بخصوص دارند)، (کلاویخو، ۱۳۷۴، ۲۸۵). جمعیت سمرقند چنان زیاد بود که برای همه آنان در داخل حصار شهر، خانه و مسکن یافته نمی‌شد و حتی در خیابان‌ها و میدان‌های پیرامون حصار شهر و آبادی‌های اطراف آن هم، جا برای آنان نبود. ناگزیر در خانه‌ها و محلات بزرگ موقتی در غارها و چادرها و سایه درخت‌ها که به راستی دیدن وضع آنان تماشایی بود منزل داده بودند (همان). چنین استنباط می‌شود که شرایط اقلیمی و آب و هوایی و پوشش گیاهی مناسب، با وجود نهرهای پرآب پیرامون سمرقند و فراوانی و ارزانی انواع محصولات، شرایط مناسبی را برای ازدحام جمعیت در این شهر و پیرامون آن ایجاد کرده و شرایط به گونه‌ای بوده که امکان زیستن در همه جای سمرقند و اطرافش وجود داشته است. چرا که کلاویخو به فراوانی جمعیت در این شهر و اطراف آن اذعان دارد.

زمینه‌های شکل‌گیری و توسعه هنر باغ‌سازی در دوره تیموریان

مطالعات نشان می‌دهد که شیوه زندگی تیمور در طراحی باغ‌ها و کاخ‌های او تاثیر به‌سزایی داشته است. هم‌چنین لزوم تحرک همیشگی و سابقه زندگی چادرنشینی اجداد او (مغولان)، در نحوه سازمان‌دهی و شکل‌گیری اردوگاه‌های او نیز نقش بی‌بدیلی ایفا کرده است. این اردوگاه‌های سلطنتی بسیار در جابجایی‌های سریع سپاه به سمت جلو یا عقب بسیار کارساز بود و هر زمان که تیمور به سمرقند بازمی‌گشت، چادرهایی را نصب می‌کرد که هم قابلیت استفاده در تابستان و هم زمستان را داشت و هم برای برگزاری مراسم ازدواج و تشریفات، به کار می‌رفت (Golombek, ۲۰۰۶, ۱۴۱-۱۴۲). قابل ذکر است باغ‌های اقامت‌گاهی تابستانی با کوشک‌های تابستانی که در امتداد محور طرح‌های متقارن تنظیم یافته بود، احتمالا تاریخ آنها به دوره‌های پیش از امپراطوری مغول می‌رسید.

لیکن اقامت‌گاه‌های زمستانی پیش از مغول عمارت‌های سنتی بود که در محوطه‌هایی بنا گردیده بود. مغولان حتی در فصل زمستان نیز عادتاً در چادر زندگی می‌کردند. باغ‌های هرات ظاهراً قصرهای زمستانی بوده است، چه، بعضی از درباریان تیموری برای تابستان‌های خود چراگاه‌های ارتفاعات «بادغیس» را که در شرق هرات قرار داشت برمی‌گزیدند. اگر مغولان کاخ‌های

زمستانی داشته‌اند، ظاهراً چیزی از آنها شناخته نشده است. به عنوان نمونه، یکی از قصرهای مغولی که برای اقامت در زمستان مناسب بود، تخت سلیمان واقع در آذربایجان بود، لیکن شکل خاص و انحصاری بودن آن مکان به صورتی بود که می‌بایستی به طور اساسی در شکل ساختمانی آنجا اثر گذاشته باشد (ویلبر و دیگران، ۱۳۷۴، ۲۴۹). چادرهایی که کلمبک از آن به «اردو» یاد می‌کند، در اطراف زمین‌های سمرقند برپا شد. این خیمه‌ها که در چمنزارهای اطراف محلی به نام «کانیگیل» برپا می‌شد، تاکیدی بر نوع زندگی نیمه‌چادرنشینی مغول‌ها و تیموریان بود. اغلب باغ‌هایی که در اواخر زندگی تیمور ساخته می‌شدند، بیشتر به منظور ازدواج بوده (موندازآقا و جوهرآقا)، و هم‌چنین است، کاخی در «باغ شمال» که برای «بیکسی سلطان» ساخته شد. ذکر این نکته لازم است که تاریخ باغ‌ها، مربوط به همسران تیمور است که در منابع، پراکنده یاد شده و باید مورد بازنگری دقیق‌تری قرار گیرد، چرا که ازدواج‌های تیمور که در چهار مرحله انجام شد، یکی از عوامل ایجاد باغ‌ها و کاخ‌هایی در اطراف سمرقند بوده است- (Golombek, ۲۰۰۶, ۱۴۲-۱۴۳). (Okane, ۱۹۹۸, ۲۵۳-۵۴). چنین استنباط می‌شود که باغ‌های تیمور، فضایی بود که در آن، ضمن ستایش امیرتیمور در جشن‌ها و مراسم باشکوه، رشته‌های پیوند دودمانی به هم گره خورده و استوارتر می‌شد. گاهی نیز برای پیوند زناشویی باغی ساخته و یا به عنوان هدیه به دختری داده می‌شد. معمولاً زنی در رأس کار عظیم باغ‌سازی قرار می‌گرفت و تا پایان ساخت، نظارت آن را بر عهده داشت. این باغ‌ها به نوعی پاسخ‌گوی شیوهی زندگانی کوچ‌نشینی و نیاز به جشن و سرور و بارعام و در یک کلام، سازگار با زندگی در هوای آزاد است.

تحلیلی بر سیر تحول عناصر معماری در باغ‌های ایران در دوره تیموریان

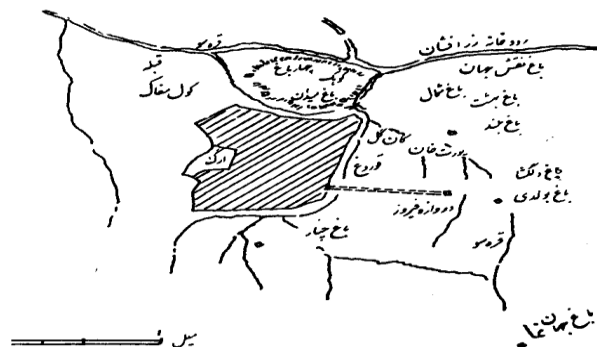
از آنجایی که مغولان (اجداد تیموریان) از ابتدا شیوه شبانی و چادرنشینی (مغولان طبق آنچه که در یاسا گفته شده است علاقه زیادی به زندگی صحراگردی داشته و حتی زندگی در عناصر معماری ثابت شهری، حرام اعلام شده است)، در زندگی آنان حضور مستمر داشته، پس از رسیدن به حکومت نیز این شیوه را دنبال می‌کردند. می‌توان گفت چادرها، سرپرده‌هایی بود که تیمور در اطراف سمرقند آراسته بود و می‌توانست آنان را از گرما و سرما در امان نگه دارد. لازمه استقرار در این مکان‌ها که در قسمت‌هایی از آسیای میانه رواج یافته بود، به گونه‌ای به خاطر تحرکات مداوم لشکرکشی‌ها و تعداد زیاد چهارپایان و همراهی حاکمان و درباریان بود و این شیوه زندگی تحرک و جابجایی آسان را در میانشان فراهم می‌کرد (Golombek, ۲۰۰۶, ۱۴۲). از کتاب‌های عصر تیموری معلوم می‌شود که تیمور و درباریان بیشتر ایام بهار و تابستان را در چادر به سر می‌بردند و فقط با فرا رسیدن هوای سرد به قصرها و اقامت‌گاه‌های خود نقل مکان می‌کردند. سمرقند در فصل زمستان بسیار سرد بود.

کلاویخو درباره ضیافت‌ها و جشن‌هایی می‌نویسد که در مرغزارها و بوستان‌ها در زیر سایه بانها و در داخل یا نزدیک چادرها برگزار می‌گردید. چادر دو نوع بود: چادری که با طناب برپا می‌گردید و «یورت» یا آق اوبا، که بومی آسیای مرکزی بود. عناصر عمده آن عبارت بودند از یک دیوار مشبک تاشو، یک چرخ بام، بستهای منحنی بام و تنگ‌های چادر. برای پوشاندن این استخوان بندی می‌توانستند پارچه‌های مختلفی به کار برند. یورت‌هایی که در مینیاتورهای دوره تیموری به تصویر کشیده شده، بسیار عالی‌تر از آنهایی است که متعلق به ترکمنان صحراگرد است. هنگامی که کلاویخو نوع چادرهایی را که با طناب برپا شده، معرفی می‌کند، نمونه بخصوصی را ذکر نمی‌نماید. احتمالاً به دلیل اندازه چادرها، نمایش آنها در مینیاتور میسر نبوده است (ویلبر و دیگران، ۱۳۷۴، ۲۴۶-۲۴۷). تیمور کاملاً مخالف تاسیس پایتختی دائمی در بلخ بود، زیرا آن را خلاف رسوم قبایل صحرائشین می‌دانست که «دائم در حال جابجایی بودند و هیچ‌گاه یکجانشین نبودند». به هر حال تیمور در سال ۱۳۷۰ میلادی، به این شکل با پشت کردن به این تفکر اصلی قبیله‌ای ترک - مغول و نیز با تلفیقی از فرهنگ یکجانشینی ایرانی و سنت کوچ‌نشینی مغول، شهر سمرقند را برای استقرار، به پایتختی خود پذیرفت، البته استقرار دائمی در کاخ سلطنتی سمرقند را نیز به‌طور کلی رد می‌کرد. براین اساس «کاخ کوک‌سرای» یا کاخ فیروزه‌ای، در مرکز شهر صرفاً مرکز خزانه امپراتوری بود و پس از آن در اواخر حکمرانی وی و جانشینانش، به زندان تبدیل شد (پتروچیولی، ۱۳۹۱، ۲۸۳). دوران تیموریان که به عبارتی، رنسانس باغ‌سازی ایرانی است، کوشک به تدریج به

عنوان عنصر ثابت، جایگزین سرپرده در باغ‌چادرهای پادشاهان این دوره شد. این انتخاب کاملاً منطبق بر فرهنگ مغول بود و رونق به سزایی یافت، لذا تداوم آن را در باغ‌سازی ایرانی هند به دست نوادگان تیمور شاهد هستیم. کوشک‌سازی در دوران صفویه هم‌زمان با مغولان هند به اوج خود می‌رسد و در مقیاسی انسانی جای‌گزین کاخ‌های عظیم دوران گذشته ایران (هخامنشیان و پس از آن) شد (انصاری، ۱۳۸۹، ۹).

باغ‌های تیمور در سمرقند و پیرامون آن

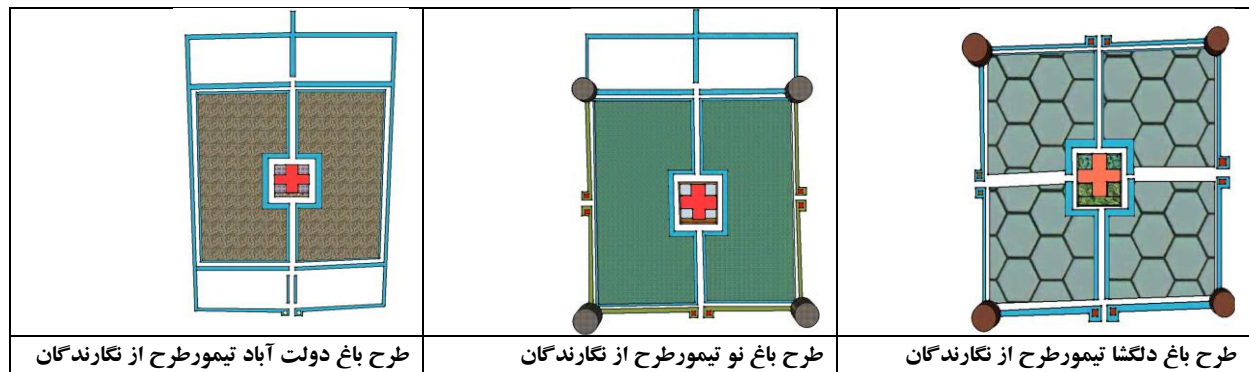
با توجه به موقعیت سمرقند و وجود انهار در اطراف این شهر برای مصارف زراعی و باغ‌کاری و داشتن پتانسیل بالای باغ‌سازی، طبیعی است که در آنجا، شاهد تنوع زیاد باغ‌ها با انواع درختان و میوه‌ها و گل‌ها باشیم. در احداث باغ‌ها روندی پیچیده دنبال می‌شد و این امر مانند احداث یک عمارت بود. بنابراین ساعت سعد و مختصات نجومی را، برای خوش‌یمن بودن آن به دقت محاسبه می‌کردند. در همین ارتباط استادکاران خبره‌ای لازم بود، که از همه سرزمین‌های تحت تصرف تیمور، مانند هند و آذربایجان و حتی سرزمین‌هایی که به تصرف او در نیامده بود، مانند چین فراخوانده می‌شدند (پتروچیولی، ۱۳۹۱، ۲۸۳-۲۸۴). تیمور در اطراف و نزدیکی سمرقند، به احداث حلقه‌ای از باغ‌های سلطنتی مبادرت ورزید. این تفرج‌گاه‌ها عبارت بودند از: «باغ شمال»، «باغ ارم»، «باغ بهشت»، «باغ دلگشا»، «باغ نو»، «باغ جهان‌نما»، «باغ دراز»، «باغ تخت قراچه» و «باغ قراتوپه». تیمور از بازماندگان بدویانی بود که دهه‌هایی از زندگی‌اش را به مجلل کردن و هرچه باشکوه‌تر کردن پایتختش سمرقند گذراند و کمربندی از باغ‌ها به وجود آورد و نام معروف شهرهای اسلامی از قبیل «قاهره»، «دمشق»، «بغداد»، «سلطانیه» و «شیراز» را بر آنها نهاد. این باغ‌ها، چون حلقه‌ای، شهر سمرقند را احاطه کرده بودند. (ویلیبر، ۱۳۹۰، ۵۷). (Golombek, ۲۰۰۶, ۱۴۰) و (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰، ۱۱۹).



نقشه باغ‌ها و چمنزارهای اطراف سمرقند در قرن پانزدهم میلادی، ویلیبر، ۱۳۹۰، ۶۱

از باغ‌های معروف دیگری که در منابع از آنها یاد شده است می‌توان به «باغ بلند»، «باغ چنار» و «باغ جهان» و «باغ سفید» اشاره کرد. با استناد به منابع، در اطراف سمرقند سیزده باغ وجود داشت که بزرگ‌ترین آنها «باغ جهان» بود که توسط بابر معرفی شده، چرا که بابر یکی از کسانی است که باغ‌های اطراف سمرقند را در ۱۴۹۷ میلادی دیده و آنها را توصیف کرده (Okane, ۱۹۹۸, ۲۰۲-۲۰۳)، (ویلیبر، ۱۳۹۰، ۷۱)، (Ruggles, ۱۹۹۷, ۱۷۵-۱۷۷). از باغ‌هایی که در سمت شرق سمرقند قرار داشتند، «باغ دولدی» یا «باغ اکمل» را می‌توان نام برد. همچنین، باغ‌های «باغ بهشت» در سال ۱۳۷۸ میلادی، «باغ شمال» ۱۳۹۷ و «باغ نو» ۱۴۰۴، که جزء اولین باغ‌های سمرقند می‌باشند، در غرب سمرقند واقع شده بودند. باغ‌های جنوب سمرقند نیز

عبارتند از: «باغ چنار»، «باغ جهان‌نما» یا باغ فاتح‌دنیا، و در کوهپایه‌های کوهک (کوپان اتا)، «باغ نقش‌جهان» و کمی به سمت غرب هم، «باغ میدان» قرار داشت (پتروچیولی، ۱۳۹۱، ۲۸۰).



نتیجه‌گیری

با توجه به اسناد تاریخی و پژوهش‌های باستان‌شناختی در ارتباط با فضاهای معماری تیموری، چنین به نظر می‌آید، تیمور با جمع‌آوری معماران و هنرمندان همه مناطق ایران، بویژه معماران ایلخانی شمال غرب و استفاده از شیوه‌های معماری آنان، به گونه‌ای ادامه دهنده‌ی فرهنگ و هنر ایلخانی، در قلمرو خود بوده است، گرچه نمی‌توان نقش بی‌بدیل چادرهای قدیمی مغولان در آسیای مرکزی را، در ایجاد این فضاهای معماری نادیده گرفت. شیوه باغ‌سازی تیمور در ابتدا به صورت برپایی خیمه‌ها و سراپرده‌ها بود که این شیوه را از شیوه زندگی اجداد خود در آسیای مرکزی آموخته بود و به این شیوه زندگی علاقه فراوان داشت. چنانکه زندگی دائم در یک منطقه را نمی‌پسندید. هم چنین معماران ایلخانی که در سمرقند مشغول به کار بودند خود باعث انتقال شیوه معماری ایلخانی به دربار و باغ‌های تیمور شدند. اما بتدریج معماران ایلخانی و هنرمندان عصر تیمور با ایجاد خلاقیت در سبک‌های مختلف معماری و با توجه به اقلیم منطقه سمرقند دست به ایجاد کوشک‌هایی در میان این باغ‌ها شده و کوشک‌هایی صلیبی شکل در مرکز باغ ایجاد کردند که با کانالهایی از آب به چند قسمت تقسیم می‌شد. تیمور سپس با ایجاد باغ-های فراوان و برپایی این کوشک‌های درون باغ به نوعی مبدع باغ شهر در سمرقند و ایران شد. چنانکه با ایجاد باغ‌های زیادی در اطراف سمرقند و ایجاد سازمانهای اداری در میان آنها باغ‌هایی درون شهر و شهری درون باغ‌ها ایجاد کرد.

منابع فارسی

- ابن عربشاه، ۱۳۳۹، زندگانی شگفت‌آور تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- اسکندریگ ترکمان، عالم آرای عباسی، ۱۳۸۲، ایرج افشار، تهران، امیرکبیر
- انصاری، مجتبی، ۱۳۸۹، باغ ایرانی منظر زبان مشترک منظر در ایران و هند، ۱۳۸۹، فصلنامه علمی ترویجی منظر، شماره ۱۳، صص ۵-۱۱
- انصاری، مجتبی و نژادابراهیمی، احد، ۱۳۸۹، هندسه و تناسبات در معماری دوره ترکمانان قویونلو مسجدکبود (فیروزه جهان اسلام)، دوره دوم، ش ۱۲۹، صص ۳۵-۴۵
- بارتولد، واسیلی ولادمیروویچ، ۱۳۸۷، ترکستان در عهد هجوم مغول، ترجمه کریم کشاورز، تهران، موسسه انتشارات آگاه
- بلر، شیلا و جاناتان بلوم، ۱۳۹۱، هنر و معماری اسلامی (۲) (۱۸۰۰-۱۲۵۰)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت
- پتروچیولی، آتیلیو، ۱۳۹۱، باغ‌های اسلامی، معماری طبیعت و مناظر، ترجمه مجید راسخی، تهران، روزنه

- جکسون، پیتر و لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰، تاریخ ایران کمبریج- دوران تیموری، تیمور قادری، تهران، مهتاب
- جیهانی، حمیدرضا و عمرانی، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۶، باغ فین، پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، ۱۳۸۶، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبد السلام کاتب، تهران، موسسه چاپ انتشارات آستان قدس رضوی
- حیدرنتاج، باغهای سمرقند، ۱۳۸۸، فصلنامه علمی ترویجی منظر، ش ۱
- حیدرنتاج، وحید، ۱۳۸۹، باغ ایرانی - از ایران چه میدانم؟، ۱۳۸۹، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
- زانگری، لوئیجی. برنارد لورنتسی. نادسیکاتام، رحمتی، ۱۳۹۱، باغهای ایرانی اسلامی، ترجمه مجید راسخی و فرهاد تهرانی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی
- زمانی، احسان؛ لیلیان، محمدرضا، امیرخانی، آرین و اخوت، هانیبه، ۱۳۸۸، بازشناسی و تحلیل جایگاه عناصر موجود در باغ ایرانی با تاکید بر اصول دینی- آیینی، نشریه باغ نظر، ش ۱۱، صص ۲۵-۳۸
- علی یزدی، شرف الدین، ۱۳۸۷، *ظفرنامه*، مصحح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی
- کلاویخو، روی گنزالس، ۱۳۷۴، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- کنتارینی، آمبروزیو، زوکاترینو و انجوللو، سفرنامه ونیزیان در ایران، ۱۳۴۹، منوچهر امیری، تهران، انتشارات خوارزمی
- مهریار، محمد، ۱۳۸۲، فرهنگ جامع نامها و آبادیهای اصفهان، اصفهان، انتشارات فرهنگ مردم
- نظام الدین شامی، *ظفرنامه*- تاریخ فتوحات امیرتیمور گورکانی، ۱۳۶۳، مصحح پناهی سمنانی، تهران، سازمان نشر کتاب انتشارات بامداد
- نعیم، غلامرضا، ۱۳۸۵، باغهای ایران؛ که ایران چو باغیست خرم بهار، تهران، پیام
- ویلبر، دونالد نیوتن، ۱۳۹۰، *باغ های ایران و کویشک های آن*، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی
- ویلبر، دونالد، لیزا گلمبک و رنتا هلد، ۱۳۷۴، معماری تیموری در ایران و توران، ۱۳۷۴، محمد یوسف کیانی و کرانت الله افسر، تهران، شورای کتاب سازمان میراث فرهنگی کشور

منابع غیرفارسی

- Golombek, Lisa. (۲۰۰۶). The Gardens of Timur: New Perspectives. In *Muqarnas Volume XII: An Annual on Islamic Art and Architecture*. Leiden: E.J. Brill.
- Mounihan, Elizabeth (۱۹۸۲). *Between Paradise As A Garden In Persia And Mughal India*. London: Scolar Press
- Minorsky. *The Aqquyunlu and Land Reforms*, Bsoas, XV ۱۱۱/۳. PP ۴۴۹-۴۶۲
- O'Kane, Bernard. (۱۹۹۸). From Tents to Pavilions: Royal Mobility and Persian Palace Design. In *Ars Orientalis*, Vol. ۲۳. Gülru Necipoglu, ed. Ann Arbor: Department of History, University of Michigan.
- Ruggles, D. Fairchild. (۱۹۹۷). "Humayun's Tomb and Garden: Typologies and Visual Order." In *Gardens in the Time of the Great Muslim Empires: Theory and Design*, edited by Attilio Petruccioli, ۱۷۳-۱۸۶. Leiden; New York: E.J. Brill